

شاه میریان

مآثر الا مرا، کلکتہ ۱۸۸۸-۱۸۹۱؛ ابوالفضل بن مبارک علّامی، آئین اکبری، چاپ سنگی دہلی ۱۲۷۳، چاپ سرسید احمد، علیگرہ ۲۰۰۵؛ سمو، اکبرنامہ، چاپ آغا احمد علی، کلکتہ ۱۸۷۷-۱۸۸۶؛ محمدعارف قندھاری، تاریخ اکبری، معروف بہ تاریخ قندھاری، چاپ سیدمعین الدین ندوی و سیدناظر علی دہلوی، رامپور ۱۹۶۲/۱۲۸۲؛ احمد بن محمد مقیم نظام الدین احمد ہروی، طبقات اکبری، چاپ بی. دی و محمد ہدایت حسین، کلکتہ ۱۹۲۷-۱۹۳۵؛

EP², s.v. "Sh āh Mansūr Sh ĩrāzi" (by M. Athar Ali).

/ جمشید نوروزی /

شاه میریان، نخستین سلسلہٴ مسلمان در کشمیر* در سده‌های ہشتم تا دہم، تا پیش از بہ قدرت رسیدن این سلسلہ، منطقہٴ کشمیر تحت سلطہٴ حاکمان محلی ہندو بود و بہرغم حضور مسلمانان در آنجا، اسلام رواج چندانی نداشت. عنوان این سلسلہ از نام بنیانگذار آن، شاه میر (حک: ۷۴۲-۷۴۶)، گرفته شدہ است. این مقالہ بہ تاریخ و اوضاع سیاسی و فرهنگی و اقتصادی این سلسلہ اختصاص دارد.

شاه میر. او در ۷۱۳ وارد کشمیر شد و در خدمت حاکمان محلی، مناصب متعدد چون وزارت را بر عہدہ گرفت. دربارہٴ زمان و مکان تولد وی اطلاعی در دست نیست. دربارہٴ اصل و نسبش نیز روایتہای مختلف وجود دارد. شاه میر را از نسل قہرمانان اساطیری ہند یا پادشاہان سوات* دانستہ اند؛ اما احتمالاً وی از ترکان مهاجر بہ کشمیر بودہ است. شاه میر پس از بہ قدرت رسیدن در سرینگر*^۳ برای تثبیت جایگاہ خود دست بہ اقدامات متعدد زد کہ از مہمترین آنها عبارت بودند از: ایجاد مناسبات دوستانہ با خاندانہای مہم و پرنفوذ کشمیر از طریق ازدواجہای سیاسی، ہمراہ کردن دو طایفہٴ مہم از ساکنان کشمیر یعنی چکھا*^۴ و ماگرہا*^۵ با حکومت، ایجاد اصلاحات در حوزہ‌های مختلف کشاورزی و آبیاری، کاهش مالیاتہا برای جلب رضایت ساکنان کشمیر و ایجاد قوانینی کہ در نہایت منجر بہ تثبیت حکومت شاه میریان برای بیش از دو سده شد (بہ بہارستان شامی، ص ۲۵۸-۲۶۲؛ دیدمتری، ص ۷۰-۷۱؛ کھویہامی، حصہ ۲، ص ۱۶۹-۱۷۰؛ محب الحسن^۶، ص ۲۸-۲۹؛ برای اختلاف نظرہا دربارہٴ تاریخ شکل‌گیری شاه میریان بہ صوفی^۷، ۱۹۴۸-۱۹۴۹، ج ۱، ص ۱۳۲-۱۳۳).

سلطان جمشید و سلطان علاء الدین علی شیر. پس از درگذشت شاه میر پسر بزرگ وی، سلطان جمشید (حک: ۷۴۶-۷۴۸)، بہ قدرت رسید. او از همان آغاز با رقابت برادرش،

مخالفتان شاه منصور از دسیسہ چینی علیہ وی دست برنداشتند و منتظر فرصتی برای ضربہ زدن بہ او بودند. در ذیحجہ ۹۸۸، کہ شاه منصور در رکاب اکبرشاہ عازم سرکوب شورش شاہزادہ محمد حکیم در صوبہٴ پنجاب شد، فرصتی برای مخالفتان پیش آمد. آنها با جعل چند نامہ چنین وانمود کردند کہ شاہ منصور بہ دنبال پیوستن بہ محمد حکیم و یاری وی در رسیدن بہ سلطنت است. شاہ در آغاز توجہی بہ این نامہ‌ها نکرد و آن را فتنہٴ بدکاران دانست، اما فرار وزیر شاہزادہ محمد حکیم و پیوستن او بہ شاہ منصور و نیز بدگویہای مخالفتان شاہ منصور بر وخامت اوضاع افزود و اکبرشاہ در ۹۸۹ دستور برکناری و حبس وی را صادر کرد. مخالفتان شاہ منصور از بیم رهایی دوبارہ اش، نامہ‌هایی دیگر جعل کردند و وانمود کردند کہ سپاہیان وی از محل اقطاعش برای یاری محمد حکیم حرکت کردہ اند. در نتیجہ، پس از آنکہ هیچ کس از جملہ خواجہ سلیمان شیرازی، کہ پیوند خویشی با شاہ منصور داشت، حاضر نشد ضمانت وی را بپذیرد، در اواخر محرم ۹۸۹، بہ دستور اکبرشاہ وی را حلق آویز کردند (بہ نظام الدین احمد ہروی، ج ۲، ص ۳۵۸-۳۵۹؛ بدآؤنی، ج ۲، ص ۲۰۳-۲۰۴؛ علّامی، ۱۸۸۶-۱۸۷۷، ج ۳، ص ۳۳۵-۳۴۲-۳۴۳).

در رجب ۹۸۹ و پس از سرکوب شورش محمد حکیم، دسیسہٴ برخی درباریان و منصب داران، از جملہ مان سینگ*^۱ و شاہ بازخان، آشکار شد و شاہ بارہا از کشتن شاہ منصور اظهار تأسف کرد (بہ نظام الدین احمد ہروی، ج ۲، ص ۳۶۳؛ بدآؤنی، ج ۲، ص ۲۰۵). او می‌گفت بعد از قتل منصور رونق حساب و کتاب دیوان و سررشتہٴ محاسبات مملکت از دست رفتہ است (علّامی، ۱۸۸۶-۱۸۷۷، ج ۳، ص ۳۴۴). برخی مورخان قتل خواجہ را نتیجہٴ خودبینی و بدرفتاری وی با زیردستانش دانستہ اند (بہ بدآؤنی، ج ۲، ص ۲۰۴؛ علّامی، ۱۸۸۶-۱۸۷۷، ج ۳، ص ۳۴۳-۳۴۴). علّامی (۱۸۸۶-۱۸۷۷، ج ۳، ص ۳۴۳-۳۴۴) بر آن است کہ خواجہ از تشخیص زمان مدارا و ہنگام گرفت و گیر و پیشہ ساختن مردم داری و جذب قلوب و نیز غمخواری بندگان عاجز بود و پنهانی در پی افزودن بر ثروت خویش بود. منصب شاہ منصور ہنگام مرگ یک ہزاری ذات (پیادہ نظام) بود (ہمو، ۲۰۰۵، ص ۲۲۵؛ نیز بہ د. اسلام، همانجا).

منابع: عبدالقادرین ملوکشاہ بدآؤنی، منتخب التواریخ، تصحیح احمد علی صاحب، چاپ توفیق ہ. سبحانی، تہران ۱۳۷۹-۱۳۸۰ ش؛ بایزید بیات، تلکثرہٴ ہمایون و اکبر، چاپ محمد ہدایت حسین، کلکتہ ۱۳۶۰/۱۹۴۱، چاپ افست تہران ۱۳۸۲ ش؛ مصمص الدولہ شامواریخان،

1. Man Singh

2. Swāt

3. Srinagar

4. Chaks

5. Magres

6. Mohibbul Hasan

7. Sufi